



به نام خدا

## سخنی کوتاه با دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری درباره نگارش پایان نامه ها

اگر مردم کوچه و بازار بکار بردن واژه های بیگانه را نمادی از نوین گرایی می دانند، گناه آن بر گردن اندیشمندان، سخنرانها و نویسندگانی است که بکارگیری اینگونه واژه ها را نمادی از فرنگی مآبی، نوین گرایی و به باور خویش نمادی از برتری خود می دانند، ولی به باور دلسوختگان زبان پارسی چنین نیست، بلکه این روند خود باختگی، فرهنگ باختگی و خود بیگانگی است.

من با دانش بسیار ناچیز در ادبیات پارسی، به تازگی بر این باور شده ام که ما دانشگاهیان تا آنجا که می شود، باید نوشتارهای پارسی خود را از واژه های بیگانه بزدااییم و تلاش ما بر آن باشد که آموزگاران، نویسندگان و سخنرانان را با واژه های پارسی و ایرانی آشناتر و هم دل تر نماییم. به ویژه، باید تلاش کنیم تا سایر همکاران خود و نیز رسانه ها را با این راه مبارزه با فرهنگ باختگی، بی خویشتنی و خود بیگانگی هماهنگ نماییم.

در جریان ویرایش نوشتارهایی که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با راهنمایی، مشاوره و یا داوری من انجام داده اند، دریافته ام که بسیاری از نگارش کنندگان، نا آگاهانه دستاوردهای بزرگ، ارزشمند و اندیشمندانه خویش را آلوده به واژه های بیگانه نموده اند که نمونه هایی از آنها را با بکارگیری نمونه های آورده شده در واژه نامه هایی مانند "لغت نامه دهخدا" و "لغت نامه معین" در زیر فهرست نموده ام. واژه های این فهرست نمونه هایی است که در نوشتارهای ویرایش شده پیشین، چشمگیرتر بوده اند. از آنجایی که بکارگیری این واژه ها در نگارش پایان نامه ها تنها زمان اندکی را از دانشجویان می گیرد، امید دارم که دانشجویان گرامی دست کم این نمونه از واژه های فهرست شده را که در ادامه آمده است، برای نوشته های خویش بکار گیرند. در پایان از دانشجویان و همکاران گرامی خود درخواست می نمایم که تلاش نمایند تا این فهرست را با بکارگیری واژه های پارسی مناسب، بهتر و گسترده تر نمایند.

با سپاس فراوان

عباس شکروی

استاد دانشکده شیمی

دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم پیشین)

۱۳۹۱/۱۲/۵



واژه های بیگانه	نزدیکترین واژه های پارسی
آخر	پایان، سرانجام
آموزش محور	بر پایه آموزش
ابتدا	نخست
اتصال	پیوند
اتفاق	رخداد
اتمسفر	جو
اتومبیل	خودرو
اجزاء تشکیل دهنده	بخش های سازنده
احتمالاً	شاید
احتیاج	نیاز
اختصار	چکیده
ارتباط	پیوند
ارتفاع	بلندی
ارتقاء	بالا بردن، افزودن
از آن به بعد	از آن پس، زین پس
از قبیل	مانند
از لحاظ	از نگاه، از دیدگاه
از منظر	از نگاه، از دیدگاه
از نظر	از نگاه، از دیدگاه
استحکام	پایداری، سختی، سفتی
استراتژی	راهکار، راهبرد
استفاده	بکارگیری
استفاده از	برخورداری از
استقبال	پیشباز
اشتغال زائی	فراهم آوردن کار و پیشه
اصلاح	ویرایش
اصلی	ریشه ای
اصول	ریشه ها، پایه ها
اطلاعات	آگاهی ها، داده ها
اطلاق می شود	گفته می شود
اعجاب انگیز	شگفت انگیز
اما	ولی



امتحان	آزمون
امکان	زمینه
امکان پذیر	شدنی
امکان جدیدی	زمینه نوینی
امواج	پرتوها
امور جاریه	کارهای روزانه، کارهای روزمره
انتقال	جابجایی
انرژی	نیرو
انرژی محرکه	نیروی پیش برنده
انواع	گونه ها
اوایل	نخستین
اواخر	پایان
اولا	نخست آنکه
اولین	نخستین
ایجاد	راه اندازی
ایده	فکر، اندیشه
ایده های نو	اندیشه های تازه، اندیشه های نوین
این قبیل	این گونه
با فرض اینکه	با پنداشتن اینکه
باب ظفرمندی	درب یا دروازه پیروزی
بالغ بر	برابر با
بحث	گفتگو
بدیهی	روشن، شفاف
بذل توجه	نگاه ویژه
بر اساس	بر پایه
بعد از	پس از
بعدها	در آینده
بعضاً	گاهی
بلا فاصله	بی درنگ
به ارمغان آوردن	به بار آوردن
به راحتی	به آسانی
به سرعت	تند، با شتاب
به سهولت	به آسانی
به عرصه ظهور گذاشتند	پا به میدان گذاشتند



به عنوان	با هدف
به عنوان مثال	برای نمونه
به مجرد.....	همزمان با....
به محض.....	همزمان با....
به منظور	برای
به میزان وسیع	به اندازه گسترده
به نحوی که	به گونه ای که، به شیوه ای که، به روشی که
به نسبت نادر می باشند	اندک می باشند، کم می باشند
به نظر می رسد	شاید
به هر حال	به هر روی، از این رو
به... اشاره کردن	از... یاد کردن
بی بدیل	بی همتا
بی رحمانه	سنگدلانه
بی ضرر	بدون زیان
بی نظم	ناپسامان
بی نظیر	بی همتا
پتانسیل	توانایی
پروژه تحقیقاتی	برنامه پژوهشی
پژوهش محور	بر پایه پژوهش
پمپ	مکنده
تئوری	نظریه، فرضیه
تا به حال	تا کنون
تا حد زیادی	تا اندازه زیادی
تجهیزات	ساز و برگ
تحت	زیر
تحت تاثیر	در تاثیر، زیر تاثیر
تحت عنوان	با نام
تحقق یافتن	برآورده شدن
تحقیقات	پژوهش ها
تخریب	زوال، ویرانی
تدوین	گردآوری
ترغیب	وادار کردن
ترکیبات	ترکیب ها
تسریع کننده	شتاب دهنده



آسان شدن، آسان کردن	تسهیل
ابزار، ساز و برگ	تسهیلات
همسانی ها	تشابهات
یادآوری کردن، گوشزد کردن	تشریح
دلگرم کردن	تشویق
دیدگاه نادرست	تصور غلط
سایه، پنداره	تصویر
ششگفت آور	تعجب آور
شمار	تعداد
شماری	تعدادی
دگرگونی	تغییر
تفاوت گذاشتن	تفاوت قائل شدن
کاهش یافتن	تقلیل یافتن
فناوری	تکنولوژی
فن	تکنیک
خوانده شود	تلقی شود
گرایش	تمایل
گرایش داشتن	تمایل داشتن
هماهنگ می شود	تنظیم می شود
پخش	توزیع
پیشرفت، گسترش	توسعه
فرآوری	تولید
سوم آنکه	ثالثا
دوم آنکه	ثانیا
دارایی	ثروت
گفتنی است	جالب توجه
نوین، تازه	جدید
گرد آوری	جمع آوری
دارای	حائز
بدست می آید	حاصل می شود
بدست آمده	حاصله
کنونی	حاضر
ویژگی ترمودینامیکی	حالت ترمودینامیکی
کران، مرز	حد



حداقل	دست کم
حدود	نزدیک به
حدوداً	نزدیک به
حرارت سنج	دما سنج
حرارتی	گرمایی
حضور	بودن
حضور پیدا می کنند	پدیدار می شوند
حفاظت	نگهبانی
حفظ	نگهداری
حمایت	پشتیبانی
حیرت آور	شگفت انگیز
حیوان	جاندار، جانور
خاصیت	ویژگی
ختم کلام	پایان سخن
خطا	اشتباه
خواص	ویژگی ها
داخل	درون
در ابعاد	در اندازه های
در ادامه	به دنبال
در این حالت	در این راستا
در این مقوله	در این باره
در بین	در میان
در حوالی	نزدیک به
در حین	در جریان
در طی	در جریان، در روند
در عین حال	در همان سان
در غیاب	در نبود
در قالب	در چارچوب
در قبال	در برابر
در مجموع	رویهمرفته
در مدت قریب به...سال	نزدیک به...سال
در مقابل	در برابر
در مقیاس	در اندازه
در نهایت	سرانجام



درجه حرارت	دما
درمقابل	در برابر
دوماً	دوم آنکه
ذخیره کردن	اندوخته کردن
ذکر شده	گفته شده
ذکر کردن	یاد آوری کردن، گوشزد کردن
رابعاً	چهارم آنکه
راندمان	بازده
رژیم غذایی	برنامه غذایی
رکن اساسی	ستون ریشه ای
روابط بین الملل	پیوند های جهانی
سؤال	پرسش
سایز	اندازه
سرعت	شتاب
سریع	تند، با شتاب
سنتز	تهیه
سوء استفاده	کار ناپسند، بکارگیری بد، بکارگیری ناپسند
سوق پیدا کرد	راه پیدا کرد
سوماً	سوم آنکه
سیستم	سامانه
سیستماتیک	سامان یافته، با برنامه
شامل	دربرگیرنده
شدت و سرعت	شتاب
شرایط	زمینه ها
شروع	آغاز
شغل	کار، پیشه
صادق	راستگو
صادق است	درست است
صدمه	آسیب
صرفاً	تنها
صنایع ماشین سازی	فناوری خودرو سازی
ضمن عبور	در روند گذشتن، در جریان گذشتن
طبق قواعد	بر پایه آئین نامه
طبقه بندی	دسته بندی



طراحی	برنامه ریزی
طرز کار	روش کار
طریق	راه
طول راه	درازای راه
طولانی	دراز
طویل	دراز، کشیده
ظالمانه	ستمگرانه، بیدادگرانه
ظاهراً	آنسان که پیداست
عاری از	بدون
عالی	والا
عالی رتبه	با جایگاه بالا
عایق	نارسانا
عبور	گذشتن
عدد	شماره
عدم حضور	نبود
عدم نیاز	بی نیاز
عرصه	زمینه
عصر	دوران، دوره، زمان
عظیم	بزرگ
عقیده	باور
علاقه	دل بستگی
علاوه بر آن	افزون بر آن
علی رغم	با وجود
عمدتاً	بیشتر
عمل ویژه	کاربرد ویژه
عملی	کاربردی
عموماً	بیشتر
عمیق	ژرف
غذا	خوراک
غیر ممکن	نشدنی
غیر قابل تصور	باور نکردنی
غیره	مانند آنها
فرمت	چارچوب، داربست
فعال	پویا، واکنش پذیر





فعالیت	تلاش، تکاپو، کوشش، پویایی
فقط	تنها
فوق العاده	بی همتا، بی مانند
فیبر	الیاف، لیف
قابل انجام	شدنی
قابل پیش بینی	پیش بینی شدنی
قابل تامل	درنگ کردنی
قابل تفکیک	جدا شدنی
قابل توجه	چشمگیر
قابل حصول	دست یافتنی
قابل دسترس	دست یافتنی
قابل قبول	پذیرفتنی، پذیرفته شده
قابل کنترل	مهار شدنی
قابلیت	توانایی
قبلاً	در گذشته، پیش از این
قبلی	پیشین
کثیف	زنگار زده
کمپرسور	دستگاه یا ماشین فشردن هوا، متراکم کننده
کمیابی ها	کاستی ها
کنترل کردن	مهار کردن
لذا	بنابراین
لذیذ	خوشمزه
مؤسسات تحقیقاتی	سازمان های پژوهشی
مابقی	بقیه
ماده	ترکیب، فرآورده
ماکزیمم	بیشترین
مبانی	ریشه ها، پایه ها
متجاوز از	بیش از
متضمن	زمینه ساز
متعدد	بی شمار، گوناگون، زیاد
متمایز	جدا
متمرکز کردن	کانونی کردن
متناسب	همسان
متناظر	همگام، همراه، همزمان



متنوع	گوناگون
متوسط	میانگین
متوقف شدن	باز ایستادن
مثال ها	نمونه ها
مثل	مانند
مثل	داستان
مثلا	برای نمونه
مجدد	دوباره
مجزا	جدا از هم
مجموعاً	در جمع
مجموعه	سامانه
مجموعه ای از	سامانه ای از
محاسبه	ارزیابی، سنجش
محتاج	نیازمند
محتوی	درونمایه، خمیرمایه
محدوده	گستره
محدودی	اندکی، کمی
محسوب می شود	می باشد
محقق شدن	برآورده شدن
محکم	پایدار
مراحل	روند
مرتب شده بر حسب	آورده شده به ترتیب
مرتبط با	درباره
مزایا	برتری ها
مسابی	تلاش ها، کوشش ها
مستقل	خود کفا
مستلزم	باید
مشابه	همسان
مشاهده کردن	دیدن
مشتقات	مشتق ها
مشخص کردن	شناسایی کردن
مشخصات	ویژگی ها
مشهور	بنام، نامدار
مطالعه	بررسی، پژوهش



مطلوب	دلخواه
معرف	نشانگر، بیانگر
معرفی	شناسایی
معرفی شد	شناسانده شد
مفهوم	روشن، شفاف
مقاله	نوشتار
مقاوم	پایدار
مقاوم به	پایدار در برابر
مقاومت	پایداری
مقدمه	پیش گفتار، سرآغاز
مقررات	آئین نامه
مقیاس	اندازه
ملزومات	ساز و برگ ها
ممانعت	جلوگیری، دوری
ممکن است	شاید
منتخبین	گزینش شدگان
مندرج در	آورده شده در
منطقی	خردمندانه
منظم	بسامان
مواجه شدن	روبرو شدن
مواد	ترکیب ها، فرآورده ها
موج	پرتو
مورد قبول واقع شده است	پذیرفته شده است
مورد مطالعه قرار دادند	بررسی کردند
مؤسس	پایه گذار، بنیان گذار
موقت	گذرا، زود گذر
مولد	زاینده
می توان در نظر گرفت	می توان دانست
میسر کردن	فراهم کردن
مینیمم	کمترین
نا مفهوم	بدون شفافیت، تاریک، کدر
نام مختصر شده	نام چکیده، چکیده نام
نامنظم	ناپسامان
نتایج	دستاوردها



نحوه	شیوه، روش، راه
نحوه پخش	شیوه پخش، آرایش پخش
نحوه قرار گرفتن	آرایش
نسبت به	در برابر، در سنجش با
نسبتاً	به نسبت
نشاط	شادی، شادمانی
نشان داده شده است	آورده شده است
نشان می دهد که	پیام آن اینست که
نظارت	وارسی، بازبینی، بازرسی
نظام مند	سازمان یافته
نظامی	سامانه ارتشی
نظریه غالب آنها	نگاه بیشتر آنها
نظم	سامان، سامان داشتن
نقاط ضعف	کاستی ها
نو ظهور	تازه
وسیع	گسترده
وضوح	شفافیت
هدایت الکتریکی	رسانایی الکتریکی
همپراز	همانند